

در حاشیه رویدادها

حاشیه‌ای بر یک مانیفست

دانشگاه بعنوان عامل همه مصیبت‌های بشر

می‌کند. در برابر مانیفست‌هایی از این قبیل، بررسی تاریخ ایران، خصوصاً در صد سال گذشته، کارنامه هر کس را به دستش خواهد داد. اگر تا امروز، بنا بر پاره‌ای ملاحظات، به تلاش با زدارنده‌ی روحانیت در گسترش دانش و آگاهی اجتماعی به اندازه کافی تکیه نشده، شرایطی که مدعیان رهبری خود به وجود آورده اندجائی برای ارائه ملاحظه‌کاری‌های معمول پیشین نمی‌گذارد. بیشتر شکاف‌ها و وقایعی که هنوز جزئیات مهمی آنها برای توده مردم روشن نیست مشخص خواهد کرد که علل اصلی مصیبت‌ها کدامند و دانشگاه با وجود بیرون دادن امثال شریف‌امامی، بهشتی، باهنر و آیت، در برابر "طایفه علما" تا چه اندازه خدمت یا خیانت کرده است.

"مجلس شورانگیز" و "اجتماع مبارک" طلاب علوم دینی و استادان مسلمان و متعهد، با همه تکراری بودنش در شکل و مضمون، از این نظر استثنائی بود که در آن نظریات جا به جا تکرار شده یک جا گرد آمد. به این ترتیب، کل سخنرانی آیت‌الله خمینی در روز ۲۷ آذر ۵۹، شکلی مانیفست‌گونه در تعیین و تحلیل موقعیت دانشگاه و نوع برخورد حاکمیت با آن را به خود گرفت تا تردیدی نماند که اگر "ما به یک نظر وسیعی به همه دنیا و به همه دانشگاه‌هایی که در دنیا هست بیندازیم تمام این مصیبت‌هایی که برای بشر پیش آمده است ریشه اش از دانشگاه بوده ریشه اش از این تخصص‌های دانشگاهی بوده" است. پس تا نابودی کامل دانشگاه و رها شدن مغز بشر از فشار علم به پیش.

اگر چه گاه گاهی که گذر بیست به دباغی افتاد "طایفه اطباء" و "طایفه روشنفکران" موقتاً از مزاجم عالی به مستفیض شده اند، اما موضع گیری‌های صریح بت شکن کبیر در برابر دانشگاه، جهان بینی رهبر روحانیت مترقی و مبارز و جنگنده و سازش ناپذیر را به نمایش می‌گذارد: تغییر چیز مضر است و همان روزگار قدیم صد شرف داشت به دوره ای که دانشمندان دنیا را به "فساد" کشانده اند.

مصیبتی که در پنجاه سال گذشته مسلحان را افسرده خاطر کرده، تغییری است که در نهایت به زبان نفوذ بی چون و چرای معسبان تمام شده است و گرنه می‌توان پرسید که عصر شاه شهید ناصرالدین شاه قاجار در انحطاط و بدبختی و به باد دادن میهن اسلامی از دوران "پدر و پسر" چه چیزی کم داشت؟ اگر روحانیان کمترین اشاره ای به دوران پیش از مشروطیت نمیکنند به این سبب نیست که تاریخ آن زمان به فراموشی سپرده شده باشد، بلکه مصیبت جدی و واقعی تغییراتی بود که از ابتدای قرن بیستم در ایران روی داد و تعادل قدرت قبضیه - دربار را به سود دظالمت نسبی مردم عادی و عامی در امور عالی برهم زد. از عوامل عمده این تغییر، دانشگاه بود که خطر آن از "بام" (بمب) خوشه ای هم بالاتر است. زیرا بمب خوشه ای میتواند مردم را دسته دسته روانه بهشت کند، اما فکر تغییر و بدعت، راهی است که لاجرم به کفر و جهنم می‌رسد و برخلاف بمب خوشه ای، میکرب آن در جامعه می‌ماند و رشد

توضیح

بعلمت تراکم مطالب، چاپ قسمت دوم مقاله "تراژدی مصر و تکرار آن در عراق" در این شماره نیز ممکن نگردید. ضمن پوزش از خوانندگان، به اطلاع میرسانیم که ادامه‌ی این مقاله در شماره‌های بعدی بچاپ خواهد رسید.

هفته‌نامه

رهائی

نشریه

سازمان وحدت کمونیستی